

## تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتاری جان سرل

فاطمه دسترنج<sup>۱</sup>

محسن ذوالفقاری<sup>۲</sup>

### چکیده

کاربست مباحث زبان‌شناسی در مطالعه متون دینی از جمله قرآن کریم، به خوانش نظام‌مند آن کمک می‌کند. یکی از زیر شاخه‌های زبان‌شناسی، کاربردشناسی زبان است که در رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری نمود می‌یابد. با عنایت به محوریت تهذیب در سوره شمس و ترسیم نظام ارزشی مطلوب در این سوره، پژوهش حاضر با هدف تبیین ساختار سوره شمس و با روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سوال است که گونه‌های مختلف کنش‌های گفتاری در سوره شمس کدامند؟ و از تحلیل این کنش‌ها و روابط بین آنها چه نتایج حاصل می‌شود؟ بازایی کنش‌های گفتاری در پاره گفتارهای موجود، حاکی از ساختار سه بخشی سوره شمس است. پیام اصلی سوره در قالب کنش اظهاری، نظام ارزشی جدیدی را تعریف می‌کند. کنش تعهدی در قالب سوگندهایی که از موارد کاملاً مشهود و محسوس به سمت امور غیبی و غیر محسوس، سیر می‌کند اطمینان‌بخشی و بیان اهمیت موضوع را برای گفته‌یابان فراهم می‌نماید. در واقع گوینده گفتمان قصد دارد به واسطه سوگندهایی که یاد می‌کند، مخاطب را به کنشی که در نظر دارد و اتخاذ وضعیت مطلوبی که در مقابل وضعیت نامطلوب ترسیم می‌شود، سوق دهد. تعهدی که در این پاره گفتارها رقم می‌خورد به این معنی است که گفته‌یابان، هر یک از دو مسیر اعلام شده در آیات نهم و دهم (به عنوان جواب سوگند) را برگزینند، به تحقیق به آن عاقبت و سرنوشت دچار می‌شود. در آیه پایانی، □ وَ لَأَیْخَافُ عِقَابًا در قالب کنش اظهاری بر تحقق عقاب تأکید می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سوره شمس، کنش گفتاری، جان سرل، بافت موقعیت.

\*\*تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴ | DOI: 10.29252/PAQ.8.2.71

f-dastranj@araku.ac.ir

۱- استادیار گروه الهیات دانشگاه اراک؛ نویسنده مسئول.

m-zolfaghary@araku.ac.ir

۲- استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

## ۱ - مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع دینی و معرفتی مسلمانان، از جنبه‌های گوناگون مورد توجه عالمان و پژوهشگران بوده است. تلاش محافل دینی و پژوهشی برای درک و دریافت از این متن مقدس، به ایجاد راه‌ها و روش‌های گوناگون تفسیری انجامیده است. یکی از این راه‌ها، خوانش قرآن کریم از حیث مسائل زبان‌شناسی و نظریه‌های زبان است. با تلفیق میان رشته‌ای در مباحث علوم دینی و رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، می‌توان به گونه‌ای روشمند به خوانش قرآن پرداخت.

تحلیل و واکاوی متون از منظر مباحث زبان‌شناسی این امکان را به محقق می‌دهد تا از زوایای گوناگون به مسئله پژوهشی خود بنگرد. یکی از زیر شاخه‌های این مبحث، کاربردشناسی<sup>i</sup> زبان است که در رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری نمود می‌یابد. قائلان به کنش گفتاری معتقدند که فعل و پاره گفتاری که توسط گوینده بیان می‌شود، یک کنش (act) محسوب می‌شود. به این معنا که انسان در قالب سخن گفتن که البته نوعی رفتار قاعده‌مند به حساب می‌آید، افعال بسیاری از قبیل توصیف، اخبار، امر، نهی، دعا، آرزو و... را انجام می‌دهد. ارتباط زبانی در صورت تحقق این فعل گفتاری صورت می‌گیرد. آستین (John Langshaw Austin) از جمله پیشگامان این نظریه است که پس از او افرادی نظیر جان سرل (John Searl) به تشریح این نظریه و پروراندن آن روی آوردند. سرل با نظریات خود تغییراتی در این حوزه به وجود آورد و دست‌یابی به فعل مضمون<sup>ii</sup> در سخن (Illocutionary act) را هدف اصلی این نظریه بیان کرد. آنچه دست‌یابی به این هدف را هموار می‌سازد، توجه به بافت<sup>iii</sup> است. بافت است «در واقع کنش گفتار جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان است که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن، به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند.» (آقا گل‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۳۵) لذا کاربرست نظریه کنش گفتاری در تحلیل متون به متخصصان متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند. (Botha, 1991, 300)

سوره شمس از سوره مکی است که در سال‌های ابتدایی بعثت نازل شده است. در یک دسته‌بندی سوره شمس در میان سوری قرار می‌گیرد که با سوگند آغاز می‌شوند. با وجود کوتاه بودن سوره، اما این سوره بیشترین سوگندهای قرآنی را در خود جای داده است (رامیار، ۱۳۶۳: ۵۹۰)؛ از این رو، با عنایت به محوریت تهذیب در سوره شمس و تبیین مهم‌ترین مسائل سرنوشت ساز حیات بشری و

ترسیم نظام ارزشی مطلوب جامعه انسانی از یکسو و از سویی دیگر ابعاد زیبا شناختی و نشانه شناختی اعجاز گونه آن، این سوره، محور بررسی قرار می‌گیرد.

بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریه کنش گفتاری جان سرل و بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سوال است که انواع مختلف کنش‌های گفتاری در سوره شمس کدامند؟ و از تحلیل این کنش‌ها و روابط بین آنها چه نتایج حاصل می‌شود؟ برای پاسخگویی به این سوالات، لازم است در گام نخست میزان کاربست هر یک از انواع کنش‌های گفتاری پنجگانه یعنی کنش گفتاری اظهاری، اعلامی، ترغیبی، عاطفی و تعهدی تعیین گردد و در گام بعد با تحلیل داده‌های به دست آمده از بافت درون زبانی و برون زبانی، ساختار سوره شمس را در نسبت با کنش‌های گفتاری در لایه مستقیم و غیر مستقیم، تبیین نمود.

## ۲- پیشینه

در ابتدای مسیر پژوهش آنچه به کمک می‌آید نگاه به پژوهش‌هایی است که پیش از این در راستای موضوع مورد نظر انجام گرفته است. در رابطه با کاربست نظریه کنش گفتار در سوره شمس، پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. اما پژوهش‌هایی که به نحوی به بررسی کنش گفتار در قرآن پرداخته‌اند و یا از آن سو به مطالعه سوره شمس پرداخته‌اند می‌تواند مؤثر واقع شود. برای مثال مقاله «تحلیل متن شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل» نوشته مرضیه شمس‌الدینی گورزانگی، مهرناز گلی و غلامرضا رضوی دوست به لحاظ کاربست نظریه کنش گفتاری در تحلیل سوره با پژوهش حاضر شباهت دارد هرچند به لحاظ موضوع متفاوت است. همچنین آقایان ابراهیم فلاح و سجاد شفیعی‌پور (۱۳۹۷) در مقاله «گفتمان‌کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف»، با الهام از روش فرکلاف به بررسی سوره شمس پرداخته‌اند. در این مقاله با تحلیل ساختار متنی همچون واژگان و جملات در سطح توصیف و تطبیق آن با بافت موقعیت در سطح تفسیر گفتمان حاکم، نقش و رابطه آن با گفتمان‌های موجود در سطح جامعه تبیین شده است. نتایج حاصله نشان داد که گفتمان‌های سوره شمس در محوری مقاومتی با گفتمان‌های موجود سطح جامعه سعی در تبیین نظام ارزشی اسلام دارد. نوشته دیگری که با پژوهش حاضر نزدیک است مقاله «دراسة أسلوبیة فی سورة الشمس» نوشته علی مطوری در مجله آفاق الحضارة الاسلامیه، که در آن نویسنده به سبک شناسی این سوره با هدف بیان زیبایی‌های بلاغی آن پرداخته است.

اما باید اشاره کرد پژوهش حاضر مسیر دیگری را می‌پیماید، در این پژوهش در صدد هستیم که با توجه به بافت سوره، به فعل مضمون در سخن دست یابیم و سپس با توجه به آنچه به دست آمده روشن نماییم که نسبت به کارگیری کنش‌های گفتاری در سوره شمس چگونه است و این روش چگونه به ما کمک می‌کند تا خوانشی روشمند از این سوره داشته باشیم.

### ۳- مفهوم شناسی

#### ۳-۱- کنش گفتاری مستقیم و غیر مستقیم

توجه به بافت در تشخیص کاربرد مستقیم و غیر مستقیم کنش‌های گفتاری نیز مؤثر می‌افتد. در تمایز این دو نوع کنش، گفته شده است که «هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم می‌نامند و هر گاه ارتباط بین ساختار و کارکرد غیر مستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیر مستقیم می‌نامند.» (همان: ۷۶) در این گونه از جملات کنش منظوری به طور غیر مستقیم و به واسطه کنش منظوری دیگری انجام می‌شود. (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷)

#### ۳-۲- پاره گفتار (Utterance)

«نظریه کنش گفتار به جای پرداختن به جمله‌ها یا واحدهای نحوی به پاره گفتار می‌پردازد.» (Crystal, 2003) درباره تعریف دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد ولی طبق یک تعریف می‌توان گفت «پاره گفتار در اصل صورت گفتاری یا نوشتاری و تحقیق صوری جمله است.» (صفوی، ۱۳۸۷، ۴۴) از منظر کنش‌های گفتاری یک پاره گفتار می‌تواند یک کلمه، یک جمله یا یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد. اما اصول تحلیل یک پاره گفتار تک جمله‌ای و یک قطعه طولانی، یکسان است. بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد. (Botha, 1991, 295)

#### ۳-۳- بافت موقعیت (Context of situation)

پیش از این گفتیم که ایده اصلی در نظریه کنش گفتاری جان سرل، فعل مضمون در سخن و یا همان معنای ضمنی است. دستیابی به این معنا از طریق بافت امکان‌پذیر است. از نظر نشانه‌شناسان بارزترین نظریه کاربردشناسی نظریه کنش گفتاری جان سرل است و این نظریه نسبت به دیگر نظریه‌ها به بافت و عناصر آن اهتمام بیشتری می‌ورزد. «جملات کنشی در بافت مناسب، بجا (Felicitous) محسوب می‌شوند و اگر در بافت نامناسب قرار بگیرند، نابجا (Infelicitous) بر شمرده می‌شوند.» (Austin, 1970, 14)

به گفته کوک «برای دریافت معنای دقیق یک جمله و متن به غیر از معناهای ظاهری کلمات و درج شده در فرهنگ لغت، عواملی همچون سن، جنس، موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود.» (کوک، ۱۳۸۸: ۵۷)

### ۳-۴ - کنش گفتاری

اصطلاح کنش گفتاری از اصطلاحات زبان‌شناسی و فلسفه زبان است. این نظریه زبانی با تحلیل انواع مختلف کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم سر و کار دارد. «نظریه مذکور را می‌توان به مثابه حلقه رابطی در نظر گرفت که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیت و مشاهدات عینی که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است، پیوند می‌دهد.» (پایا، ۱۳۸۳: ۱۶) از این رو کنش گفتاری را بخشی از شاخه کاربردشناسی زبان در نظر می‌گیرند. (Carnap, 1942)

مباحث اولیه کنش گفتاری توسط آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰ م) در کتاب «چگونه کلمات کار انجام می‌دهند» (How to Do Things with Words) آمده است. این کتاب مجموعه مقالاتی است که آستین ابتدا در کلاس‌های درسش در دانشگاه آکسفورد بیان کرده است. از نظر آستین فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند بلکه با خود عمل معادل است؛ یعنی «گفتن» با «کنش» برابر است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد.

«از این رو کنش گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد. از نمونه‌های کنش گفتاری می‌توان سلام کردن، پوزش خواستن، توصیف کردن یک چیز، پرسیدن، دستور دادن، قول دادن و... را نام برد. کنش گفتاری بیشتر به بررسی اشکال و قاعده‌های کنش غیر بیانی می‌پردازد.» (Searle, 1969, 68)

کنش گفتاری در بافتی رخ می‌دهد تا معنای مورد نظر انجام دهنده کنش تحقق یابد. این بافت کمک می‌کند تا بهتر و به شکل درست‌تری به مقصود گوینده که همان انجام دهنده کنش گفتاری است، دست یابیم. «بنابراین مدلی که نظریه کنش گفتاری از زبان ارائه می‌کند، نگرشی در باب کاربرد و معنای زبان است که در بافت ارائه می‌کند و رفتار زبانی را در دل شرایط اجتماعی و نهاده‌ای که از آنها سر برآورده است، قرار می‌دهد.» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۳۶)

در کنار آستین فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری نظیر سرل، شیفر (Schiffer.S)، فریزر (Fraser.B)، هانچر (Hancher.M)، باخ (Bach.K) و هارنیش (Harnish. R.M) به بررسی ماهیت کنش‌های

گفتاری و طبقه‌بندی آنها پرداختند که در این میان، آرای سرل درباره مقوله‌بندی کنش‌های گفتاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. او تحت تأثیر دسته‌بندی آستین، پاره گفتارها را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد. او معتقد است که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آنها نیز نقش دارد. بدین معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد. (حسینی و حسن پور، ۱۳۹۱: ۴۳) این نگاه تفاوتی که میان نظرات سرل و آستین وجود دارد را روشن می‌سازد. سرل تمایزی را که آستین بین پاره گفتارهای کنشی و غیر کنشی قائل شده، نمی‌پذیرد. «سرل همه پاره گفتارها را پاره گفتارهای کنشی تعبیر می‌کند. حتی آنهایی را که ممکن است به عنوان پاره گفتارهایی که حالت و وضعیت امور را توصیف می‌کنند، درک نماییم.» (Brinton, 2000, 302)

آنچه در نظریه کنش گفتاری مهم است تجزیه و تحلیل «فعل مضمون در سخن» (Illocutionary act) است که در حقیقت تعیین کننده معنا است و با تحقق این فعل ارتباط زبانی حاصل می‌شود. بدین ترتیب تحلیل فعل مضمون در سخن در حقیقت تحلیل معنا است که متقوم به دو عنصر است: یکی قصد گوینده و دیگری قراردادهای و قواعد زبانی‌ای که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند. (سرل، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶) از سوی دیگر یکی از گزاره‌های تأثیرگذار برای دستیابی به فعل مضمون در سخن، توجه به بافت است. «بافت موقعیتی می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود معنای ضمنی بیابد و این معنی در آن بافت قابل درک گردد.» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

### ۳-۴-۱ - دسته‌بندی پنج‌گانه کنش‌های گفتاری از دید سرل

سرل با در نظر گرفتن معیارهایی کنش‌های گفتاری را به پنج نوع تقسیم می‌کند. این معیارها به عواملی نظیر حالت روان‌شناختی، نحوه انطباق گفتار با جهان خارج و محتوای گزاره‌ای مربوط هستند. (Searl, 2001) این تقسیم بندی پنج‌گانه عبارتند از: کنش اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی، اعلامی. (Searl, 1975, 344-369).

کنش اظهاری (Representatives act): آن دسته از کنش‌های گفتاری است که نشان دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌اند که گوینده از طریق آنها دنیا را آن چنان که هست یا آن چنان که باور دارد، نشان می‌دهد.

کنش ترغیبی (Directives act): به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که گوینده با به کارگیری آنها، دیگری را به انجام کاری وا می‌دارد و بنابراین بیانگر خواسته‌های گوینده است. این گونه کنش‌ها شامل فرامین، دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادها هستند و می‌توانند به صورت مثبت/ایجابی و یا منفی/سلبی باشند.

کنش عاطفی (Expressives act): نوعی کنش گفتاری است که احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است.

کنش تعهدی (Commissives act): آن دسته از کنش‌های گفتاری‌اند که در آنها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند و بنابراین بیانگر قصد گوینده است. این کنش‌ها در بر گیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سرباز زدن‌ها و تعهدها هستند.

کنش اعلامی (Declarations act): به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که بیان آنها به تغییر اوضاع دنیای خارج بیانجامد. برای انجام درست فرمان اعلام، افزون بر نیاز به بافت خاص، گوینده نیز باید دارای نقش نهادی اجتماعی خاصی باشد (یول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶).

#### ۴- بافت موقعیت در سوره شمس

آنچه به ما این امکان را به ما می‌دهد که قرآن را بر اساس نظریه زبانی کنش گفتاری مطالعه کنیم این است که لایه مشهود و برتر وحی اسلامی ویژگی زبانی دارد و سخن خود خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تجربه خود را در قالب زبان عربی برای دیگران بیان نکرده‌اند (دیدگاه تجربه دینی) یا حقایقی را که بر قلبش نازل شده‌اند به صورت زبان عربی و قرآن در نیاورده‌اند (دیدگاه گزاره‌ای)؛ بلکه قرآن، خود کلمات خداست. خدا به زبان عربی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن گفته است. ما با این لایه مشهود سر و کار داریم و مبنای تفکرات اسلامی ماست (قائمی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳۶-۱۳۵).

با توجه به گفتمانی که در قرآن صورت گرفته، خداوند در مقام گوینده وحی گفتاری، افعال گفتاری یا همان کنش‌های گفتاری را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مخاطب انجام داده است و در این ارتباط زبانی، جملات معناداری را اظهار کرده است. پیام وحی نیز همان فعل ضمن گفتار است که از آن معنا به دست می‌آید. پس از تثبیت وحی گفتاری از طریق نوشتن، هر

مخاطبی که با زبان متن آشناست می‌تواند آن را بخواند و به دنبال کنش‌های گفتاری خداوند باشد (همان: ۶۸-۷۰).

در نظریه کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و... را به صورت پنهان با خود همراه دارد و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۵) از این رو پیش از بازیابی کنش‌های گفتاری در سوره شمس، به بیان بافت کلی سوره می‌پردازیم. سوره شمس دارای ۱۵ آیه است و به گفته علامه طباطبایی با توجه به سیاقش، سوره‌ای مکی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۹۶). این سوره بعد از سوره قدر و قبل از سوره بروج به عنوان بیست و پنجمین سوره قرآن نازل شده است. ولی در چینش کنونی قرآن، نود و یکمین سوره به شمار می‌آید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ۲۹۲) بنابراین این سوره مربوط به سال‌های ابتدایی بعثت و در دورانی است که میان مردم مکه که نخستین مخاطبان این گفتمان بودند، بت‌پرستی رواج داشت. (کلبی، ۱۳۶۴: ۱۵) کار پیامبر صلی الله علیه و آله در سال‌های ابتدایی بعثت، مخصوصاً در آغاز دعوت علنی، بر نفی الهه‌های موجود و معرفی جهان‌بینی الهی است. از این رو در ابتدای نزول قرآن، کمتر شاهد احکام و دستورهای مستقیم هستیم و بیشتر گفتمان موجود به زمینه‌چینی برای تغییر نگرش پایه‌ای بنا نهاده شده است. در سوره شمس برای ایجاد گفتمان از سوگند استفاده شده است. گفته‌یابان در سوره شمس با سوگندهایی پی در پی مواجه می‌شوند. این موضوع به ویژگی بافتی مردم مکه و اعراب بی ارتباط نیست، زیرا آنها از سوگند در مراودات خود بهره می‌بردند. (جواد، ۱۹۷۶م، ج ۴: ۳۷) البته این ویژگی سوگند خوردن مختص مردم مکه نیست. انسان‌ها مایل هستند که از سخن گوینده اطمینان حاصل کنند و یا زمانی که خود در مقام گوینده هستند، کلام خود را با سوگند محکم نمایند تا اعتماد مخاطب را جلب نمایند. بلاغت و فصاحت قرآن اقتضا دارد که گونه‌ای سخن بگوید که مخاطب آن را درک کند و یک راه آن هم نزدیک شدن به فرهنگ مردم است نه این که قرآن متأثر از فرهنگ زمانه و وابسته به آن باشد.

## ۵- بازیابی کنش‌های گفتاری در سوره شمس

محورهای مفهومی سوره شمس در یک نگاه کلی در سه ساحت، قابل تبیین است. بخش اول سوره، طلیعه سوره شمس است که با سوگند آغاز شده و به یازده موضوع مهم از عالم خلقت از جمله: خورشید، ماه، زمین، آسمان، نفس و... برای اثبات این معنی که فلاح و رستگاری در گرو تهذیب نفس است قسم یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸/۲۷). آیات (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا، وَ

القَمَرِ إِذَا تَلَّهَا، وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا، وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا، وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّاهَا، وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا) (شمس/۱-۷) بیانگر آن است که سوره شمس با کنش گفتاری تعهدی افتتاح می‌گردد. «قسم یعنی مقید کردن خبر یا انشاء به موجود شریفی که اگر یاد کننده سوگند در خبر دادن و سخن گفتن دروغ بگوید و یا در انشاء نمودن بر خلاف آن عمل نماید، شرافت آن چیز را خدشه‌دار کرده است. قسم در حقیقت بالاترین مراتب تأکید است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۲)

کارکرد کنش گفتاری سوگند، اطمینان‌بخشی و یا بیان اهمیت موضوعی است که نسبت به آن سوگند یاد می‌شود. البته با توجه به بافت برون زبانی، باید در نظر داشت که سوگندهای قرآنی از حیث این که گوینده کنش گفتاری، خداوندی است که در مباحث کلامی، صادق مطلق است و دروغ و خلاف در اوصاف او راه ندارد؛ پس سوگند خوردن به منزله اثبات راست‌گویی خداوند نیست، چنان چه انسان‌های عادی از سوگند این بهره را می‌برند؛ بلکه از آن جهت که مخاطب کنش گفتاری، به آنچه در جواب سوگند آمده، توجه بیشتری را مبذول دارد، از سوگند بهره گرفته می‌شود. تمام سوگندها به جز «نفس» که به صورت نکره آمده، معرفه است. سیر مفهومی سوگندها از موارد کاملاً مشهود به سمت مواردی مرموزتر و پنهان‌تر است. (وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا... وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا). «نکره بودن نفس، بیانگر اطلاق مفهوم نفس از یکسو و تعظیم مقام و مجهول بودن کنه آن از سویی دیگر است» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۱۱/۴).

کنش تعهدی کنش گفتاری است که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند. در این نوع از کنش گفتار جهان خارج از طریق خود گوینده با وضعیت مطلوب منطبق می‌شود. (Huang, 2006, 709) در واقع در سوره شمس گوینده گفتمان قصد دارد تا با سوگندهایی که یاد می‌کند، مخاطب را به کنشی که در نظر دارد و اتخاذ وضعیت مطلوبی که در مقابل وضعیت نامطلوب ترسیم می‌شود، سوق دهد. تعهدی که در این پاره گفتارها رقم می‌خورد به این معنی است که دریافت کننده گفته هر یک از دو مسیر اعلام شده در آیات نهم و دهم (به عنوان جواب سوگند) را برگزیند، به تحقیق به آن عاقبت و سرنوشت دچار می‌شود و حقیقت جز این نیست.

در سوره شمس کنش گفتاری تعهدی سوگند، یازده مرتبه صورت می‌گیرد تا زمینه انجام کنش را برای گفته‌یابان فراهم نماید. سوگندها از قسم خوردن به خورشید و آن هنگام که آفتاب بعد از طلوع خورشید گسترده می‌شود، آغاز می‌گردد و تا پایان آیه هفتم ادامه می‌یابد: □ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا(۱) وَ

الْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّتْهَا (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَتْهَا (۵) وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّتْهَا (۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) □

در آیه هشتم، □ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا □ با آوردن حرف «فاء» در اول آیه، مسأله الهام را نتیجه تسویه قرار داده و فرموده چون نفس را تسویه کرد، پس به او الهام کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۰۰) در حقیقت کنش گفتاری در آیه هشتم، کنش گفتاری اظهاری است که تبیین می‌کند در نتیجه تسویه نفس، فجور و تقوا به نفس انسان الهام شده است. با پایان یافتن آیه هشتم، بخش اول سوره شمس تکمیل می‌شود. بخشی که شامل خوشه سوگندهایی پی در پی است.

خوشه سوگندها به پدیده‌های طبیعی و تجربی اشاره دارد تا به نفس می‌رسد که قابل دیدن نیست. یعنی در سوگندها سیری از پدیده‌های مشهود تا پدیده‌هایی که قابل لمس و حسّ مادی نیستند را شاهد هستیم. ساختار پاره‌گفتارها با کنش گفتاری تعهدی، مسجّع و آهنگین است. در حقیقت این وزن و این تکرار کنش به گوینده‌ای که قصد ایجاد کنش را دارد، کمک می‌کند تا مخاطب خود را درگیر نماید و به انجام کنشی که قصد گوینده است نزدیک نماید. البته فاعل این کنش‌های گفتاری، مستتر است و این ابهام، کمک بیشتری می‌کند تا کنش گفتاری اظهاری تأکید که در لایه غیر مستقیم این پاره‌گفتار قرار دارد، بروز نماید. زیرا آنچه اهمیت دارد توجه به عظمت پدیده‌هایی است که مقسمّ به قرار گرفته‌اند و نیز برجسته کردن آنچه در جواب سوگند آمده است. حتی در آیات پنجم تا هفتم در اشاره به برپادارنده آسمان، گسترنده زمین و تسویه کننده نفس، از واژه «ما» استفاده می‌شود. در واقع «اگر از حضرتش تعبیر به «ما- چیزی که» کرد با اینکه باید تعبیر به «من- کسی که» کرده باشد، برای این بود که نکته‌ای مهم‌تر را افاده کند، و آن بزرگ جلوه دادن و شگفتی‌انگیز کردن است و معنایش این است که سوگند می‌خورم به آسمان و آن چیز قوی عجیبی که آن را بنا کرده و سوگند می‌خورم به زمین و آن چیز نیرومند و شگفت‌آور که آن را گسترده» (همان: ۴۹۹).

از سوی دیگر استفاده از کنش گفتاری تعهدی سوگند، در راستای بافت موقعیتی است که این گفتمان در آن شکل گرفته است. استفاده از سوگند در میان اعراب که نخستین دریافت‌کننده‌های این گفتمان هستند و پس از آن هر انسانی که سوگند را به عنوان ابزاری جهت اثبات صدق ادّعای خود و تأکید بر آن به کار می‌برد؛ قابل مشاهده است. خداوند به عنوان گوینده گفتمان سوره شمس، برای انتقال گفته خود، از شیوه‌های تولید گفتمان مخاطب بهره می‌برد. سوگند، بر تأکید کلام می‌افزاید.

سوگند از دیدگاه نحوی جمله‌ای است که خبر را تأکید می‌کند بنابراین از شیوه‌های تأکید شمرده می‌شود. از این رو زرکشی در البرهان فی علوم القرآن، قسم را در زمره اسلوب‌های تأکید یاد می‌کند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۴۰). در این جا هم کنش گفتاری تعهدی انجام گرفته، در لایه غیر مستقیم خود بر اهمیت موضوع تأکید می‌کند. البته کاربرد واژه «قد» در ابتدای جواب سوگندها در آیات نهم و دهم □ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَهَا - وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَهَا □ نیز کنش گفتاری اظهاری تأکید را نشان می‌دهد که نشانه افزایش اهمیت کنشی است که در این دو پاره گفتار رخ می‌دهد. با توجه به این که جواب سوگند یکی از ارکان چهارگانه قسم است، مخاطب سوگندها را دریافت می‌کند تا به جواب قسم برسد. در سوره شمس انتظار مخاطب برای رسیدن به جواب سوگند، با پاره گفتارهای آهنگین و مسجعی که در پی یکدیگر می‌آیند، کمی طولانی می‌شود. از این رو به واسطه تعلیقی که در این پاره گفتارها ایجاد می‌شود که نشان دهنده ساختار ادبی و هنری قرآن است، کنش گفتاری در لایه غیر مستقیم، کنش ترغیبی است که در مخاطب ایجاد سؤال و انگیزه می‌کند که چه موضوع مهمی قرار است گفته شود که چنین سوگندهایی پیش از آن بیان می‌گردد. این کنش‌های گفتاری همه در خدمت کنش گفتاری اصلی است تا مخاطب را در موقعیتی قرار دهد که آمادگی شنیدن خبر نهایی و حقیقی را پیدا نماید.

در سوره شمس سوگندها به عنوان شاهدی در نظر گرفته می‌شوند و مخاطب را با خود همراه می‌کنند تا او کنش گفتاری‌ای که در جواب قسم بیان می‌شود را، دریابد. یعنی از پدیده‌های طبیعی و با عظمت که قابل مشاهده هستند تا پدیده‌های معنوی چون نفس انسانی که تسویه شده است، یاد می‌شود تا در آیات نهم و دهم یک اعلام خبر قطعی صورت گیرد. کنش اظهاری که در □ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَهَا - وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَهَا □ انجام می‌شود، در حقیقت بیان ادعا و تبیین دیدگاه گوینده کنش گفتاری است. این کنش نشان از نظام ارزشی است که گوینده گفتمان در نظر دارد. به طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکيدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند اینها که گوینده در آن، جهان خارج را آن گونه که باور دارد به تصویر می‌کشد، دارای کنش اظهاری است. (Yule, 1996, 53)

کنش‌های تعهدی که در هفت آیه ابتدایی انجام می‌شود، زمینه‌چینی برای کنش بزرگتری است که در جواب سوگند می‌آید. در دو آیه‌ای که به عنوان جواب سوگند بیان می‌شود و هدف اصلی سوگندهای یاد شده است، اساس نظام ارزشی تغییر می‌کند. سپس در یک کنش اظهاری تقابلی، فلاح

و تزکیه در مقابل زیانکاری و دسیسه قرار می‌گیرد تا این کنش گفتاری، از دو سرنوشت متقابل سخن بگوید؛ فلاح و سعادت در مقابل شقاوت و خسران. ارزش انسانی که در چند آیه قبل به نفس او سوگند یاد شده در کسب یکی از این دو قطب است. پس سیر کنش‌ها، از کنش گفتاری تعهدی به کنش گفتاری اظهاری رسید. در این کنش گفتاری، عقیده گوینده گفتمان یعنی خداوند درباره سرنوشت انسان بیان می‌شود. البته پیش زمینه چنین نظام ارزشی، در آیه هشتم پی‌ریزی می‌شود، آنجا که هم از الهام تقوا سخن می‌گوید و هم از الهام فجور. به این معنی که انسان در نفس خود زشتی و زیبایی امور و حق و باطل بودن آن را در می‌یابد، حال یا با حسن اختیار به فلاح می‌رسد، یا با سوء اختیار اهل خسران می‌گردد. این چنین نظام دو قطبی متقنی را ترسیم می‌کند.

دریافت کننده این کنش گفتاری و انتخاب کننده میان این نظام دو قطبی، مردم مکه در زمان نزول و هر کسی است که مخاطب صورت مکتوب این گفتمان قرار می‌گیرد. نشانه آن هم اسمیه بودن جواب قسم است. وقتی جواب‌های قسم، جمله اسمیه هستند، عنصر زمان در حقایق آنها مدخلیتی ندارد و همیشگی هستند. این امر کنش اظهاری در این دو پاره گفتار را وسعت زمانی می‌بخشد. یعنی مخاطب این کنش گفتاری می‌تواند در هر زمانی دریافت کننده این کنش گفتاری باشد.

بخش سوم و پایانی سوره شمس، با کنش اظهاری ادامه می‌یابد. این کنش اظهاری در واقع استشهادی است بر آن چه در دو پاره گفتار قبلی در جواب سوگندها آمده است. گوینده گفتمان، در قالب کنش اظهاری از طغیان قوم ثمود گزارش می‌دهد؛ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا (۱۱) إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَلَمْ يَدْهَمْ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

این کنش اظهاری در لایه غیر مستقیم، بیان مصداقی است برای گروهی که یکی از دو قطب ترسیم شده در آیات نهم و دهم را برگزیده‌اند. با توجه به نتیجه که بر این قوم مرتب شده است، آنها اهل خسران بوده و به فلاح نرسیده‌اند. عاقبت این قوم که پیامبر خدا را تکذیب کرده و ناقه‌ای را که با قید «الله» به خداوند منسوب شده است را پی کرده‌اند، عذاب سختی است که سبب محو شدن آثار ایشان و یکسان شدنشان با خاک است. این کنش اظهاری بیان عاقبت در لایه غیر مستقیم خود، مخاطب کنونی گفتمان را در قالب کنش گفتاری عاطفی از دچار شدن به چنین عاقبتی می‌ترساند و در قالب کنش ترغیبی او را از مرتکب شدن به عملی که این قوم انجام دادند که همان تکذیب و طغیان است، بر حذر می‌دارد. مجموع کنش‌های صورت گرفته در قالب کنش ترغیبی جهت عبرت‌گیری مخاطب بیان می‌شود، تا اهل دسیسه و پوشاندن حقیقت نباشد و بتواند با ترکیه نفس به فلاح برسد.

در آیه پایانی، وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا در قالب کنش اظهاری موضع گوینده گفتمان یعنی خداوند این گونه بیان می‌شود که خداوند از عاقبت وخیم عقاب قوم ثمود پروایی نکرد. با توجه به بافت برون زبانی این ادعا، به خاطر تفاوتی است که گوینده این کنش گفتاری یعنی خداوند با انسان‌ها دارد. انسان‌ها ممکن است گاهی در موضع قدرت قرار گرفته و دشمن و مخالف خود را سرکوب نمایند، اما گاهی نیز ممکن است در موضع ضعف قرار گرفته و از سوی همان مخالفان، مورد تعرض قرار گیرند. اما این امر درباره خداوند قادر متعال صدق نمی‌کند. از این رو خداوند در آیه پایانی تأکید می‌فرماید که از چنین عقوبت کردنی، خوفی ندارد. این کنش اظهاری پایان بخش سوره شمس است.

کاربست واژگانی مانند «كَذَّبْت»، «طَغَوْا» و «أَشْفَا» با بار منفی که واژگان کلیدی فراز پایانی سوره است در راستای ترسیم چهره‌ای منفور از قوم ثمود است. بسامد واژه «کذب» در این سوره و در فراز مربوط به داستان قوم ثمود، حکایت از کنشی اظهاری قوم ثمود است. اگرچه واژه عقروها در آیه ﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِم رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا﴾ (شمس/۱۴) به معنای ریشه‌کن کردن چیزی است و به سر بریدن شتر و مطلق کشتن نیز اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۴۱) اما این عمل متضمن نپذیرفتن و تکذیب کردن امر فرستاده خداست. لذا در این عمل آنان نیز نوعی تکذیب نهفته است. اکثر افعال به کار رفته در این سوره (زکاها، دسها، کذب، بعث، عقروها) از نوع افعال رفتاری هستند و جنبه رفتار آدمی را شامل می‌شوند؛ بنابراین محتوای سوره بر روی رفتار و عمل آدمی تکیه دارد و حیطة رفتار آدمی را شامل می‌شود (فلاح و شفیع پور، ۱۳۹۷: ۳۴) و از این حیث، تأکیدی بر تحقق هدف سوره و تبیین نظام ارزشی اسلام است.

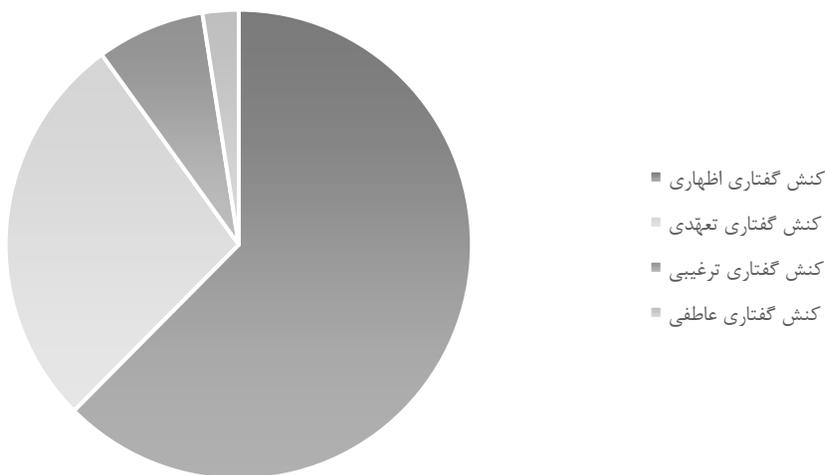
در جدول ۱ می‌توان بازیابی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم در سوره شمس را به تفکیک پاره گفتارها مشاهده نمود.

پاره گفتار		بار مضمون در گفتار
		مستقیم
		غیر مستقیم
و الشَّمْسِ وَ ضُحًىهَا	تعهدی لایه (سوگند)	اظهاری لایه (تأکید) ترغیبی لایه (تعلیق)
و الْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (توصیف)	
و النَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (توصیف)	
و اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (توصیف)	
و السَّمَاءِ وَ مَا بَنَىٰهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (تبیین)	
و الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّنَهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (تبیین)	
و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا	تعهدی لایه (سوگند) و اظهاری لایه (تبیین)	
فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَىٰهَا	اظهاری لایه (تبیین)	اظهاری لایه (تقابل) اظهاری لایه (تغییر فعالیت دادن)
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا	اظهاری لایه (تبیین) و اظهاری لایه (بیان ادعا)	
و قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا	اظهاری لایه (تبیین) و اظهاری لایه (بیان ادعا)	اظهاری لایه (بیان مصداق)
فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَىٰهَا	اظهاری لایه (نقل قول) اظهاری لایه (تقید)	
فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا	اظهاری لایه (گزارش)	ترغیبی لایه (عبرت‌گیری) ترغیبی لایه (تحدیر) عاطفی لایه (تخویف)
فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا	اظهاری لایه (بیان عاقبت)	
و لَا يَخَافُ عُقْبَىٰهَا	اظهاری لایه (نفی کردن) و اظهاری لایه (بیان ادعا)	-

جدول ۱: بازیابی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم در سوره شمس

## تحلیل میزان و نوع کنش‌های گفتاری بازیابی شده در سوره شمس

از میان دسته‌بندی پنجگانه سرل از کنش‌های گفتاری یعنی کنش گفتاری اظهاری، تعهدی، ترغیبی، عاطفی و اعلامی، در سوره شمس نمودی از کنش اعلامی یافت نشد. در مجموع کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم، بیشترین کنش گفتاری به کار رفته، کنش اظهاری است که در قالب توصیف، تبیین، بیان ادعا، گزارش، نقل قول، تقیید، بیان عاقبت، نفی کردن، تأکید، تقابل، تغییر فعالیت و بیان مصداق در مجموع یک یا چند پاره گفتار دیده می‌شود. پس از کنش اظهاری، کنش تعهدی سوگند، قرار دارد که در لایه مستقیم کنش گفتاری، در آیات ابتدایی سوره شمس قابل مشاهده است. کنش گرفتاری ترغیبی در لایه غیر مستقیم و در قالب عبرت‌گیری، تحذیر و ایجاد تعلیق در مجموع پاره گفتارهای سوره شمس قابل بازیابی است. کنش عاطفی نیز در بخش پایانی سوره شمس که بیان مصداقی از اهل شقاوت و خسران است، در لایه غیر مستقیم، به ایجاد خوف در مخاطب اشاره دارد.



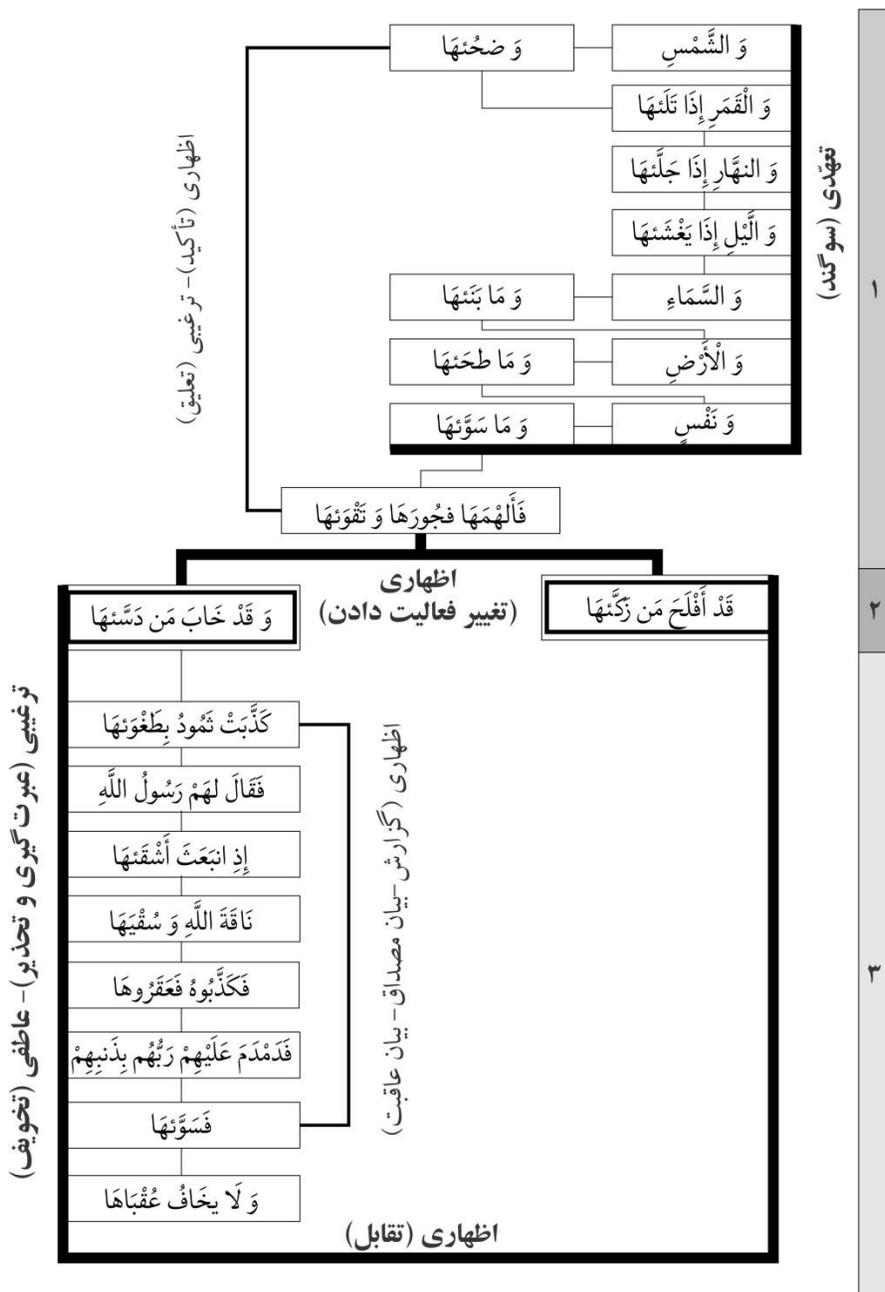
### نمودار ۱: درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم سوره شمس

نبود کنش اعلامی و یا کنش ترغیبی امری در لایه مستقیم را شاید بتوان با توجه به بافت موقعیت سوره شمس و زمان نزول سوره که در سال‌های ابتدایی بعثت است و شرایط دعوت در آن موقعیت، تبیین نمود. کار پیامبر صلی الله علیه و آله در سال‌های ابتدایی بعثت، مخصوصاً در آغاز دعوت علنی، بر نفی الهه‌های موجود و معرفی جهان‌بینی الهی است. از این رو در ابتدای نزول قرآن، کمتر شاهد

احکام و دستورهای مستقیم هستیم و بیشتر گفتمان موجود به زمینه‌چینی برای تغییر نگرش پایه‌ای بنا نهاده شده است. از این رو در سوره شمس از میان کنش‌های گفتاری پنج گانه جان سرل، کنش گفتاری اعلامی و یا کنش ترغیبی امری در لایه مستقیم مشاهده نمی‌شود. بلکه بیشترین کنش‌ها، کنش اظهاری است که در راستای تفهیم مطلب و در جهت گفتمان ارشادی قرآن بیان شده‌اند. در کنار کنش اظهاری، کنش گفتاری تعهدی سوگند با توجه به بافت موقعیت مخاطبان گفتمان، مشاهده می‌شود. کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی در لایه غیر مستقیم، قابل بازیابی هستند. گوینده در کنش ترغیبی سعی در انطباق جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب دارد. (Martinez, 2005, 168) در سوره شمس ایجاد این انطباق در لایه غیر مستقیم صورت می‌گیرد. در بخش ابتدایی استفاده از پاره گفتارهای کوتاه آهنگین و مسجع که در پی یکدیگر می‌آیند، با ایجاد حس تعلیق، کنش ترغیبی را شکل می‌دهد و در بخش پایانی نیز در پی گزارش از عاقبت گروهی که طغیان کرده و دچار عذاب شدند، کنش ترغیبی عبرت‌گیری و تحذیر باز هم در لایه غیر مستقیم قابل دریافت است.

گفته‌یابان در سوره شمس با سوگندهایی پی در پی مواجه می‌شوند. این موضوع به ویژگی بافتی مردم مکه و اعراب بی ارتباط نیست، زیرا آنها از سوگند در مراودات خود بهره می‌بردند. البته این ویژگی سوگند خوردن مختص مردم مکه نیست، بلکه عادت رایجی میان انسان‌هاست که از آن برای بیان اهمیت و یا اثبات صدق ادعای خود بهره می‌برند. در سوره شمس، طبق آیات «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» نظام ارزشی جدید از طریق کنش گفتاری اظهاری، تبیین و افق جدیدی ترسیم می‌گردد. نظام ارزشی که در این سوره با کنش اظهاری بیان می‌شود، دو قطبی «فلاح» و «خسران» را تنظیم می‌کند که این تغییر نگاه و جهان‌بینی که گوینده کنش گفتاری سعی در بیان آن دارد، هدف اصلی سوگندهای یاد شده در آیات ابتدایی است. این کنش اظهاری با توجه به اسمیه بودن جواب سوگندها، همیشگی است و منحصر در زمان نمی‌شود. خداوند نعمتهای فراوانی در اختیار بشر گذارده، ولی از میان تمام این نعمتها بر درک حسن و قبح تکیه کرده و در آیه «فَاللَّهِمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» روی مساله الهام «فجور» و «تقوی» از سرنوشت‌سازترین مسائل زندگی بشر است تأکید می‌کند. در انتها نیز کنش گفتاری اظهاری از سرنوشت قومی که دسیسه کردند و طغیان نمودند خبر می‌دهد، تا ترسیم نظام دو قطبی با بیان مصداق کامل‌تر گردد. لذا به دنبال هشدار که در آیات قبل مبنی بر عاقبت کار کسانی

که نفس خود را آلوده می‌کنند، در ادامه به یکی از مصداقهای واضح تاریخی این مطلب پرداخته، و سرنوشت قوم طغیانگر «ثمود» را با تعبیر کوتاه و قاطع «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغُوها» بیان می‌فرماید. مجموع کنش‌های صورت گرفته در بخش انتهایی سوره، در قالب کنش ترغیبی جهت عبرت‌گیری مخاطب بیان می‌شود، تا اهل دسیسه و پوشاندن حقیقت نباشد و بتواند با تزکیه نفس به فلاح برسد و از دچار شدن به سرنوشتی، مشابه سرنوشت قوم ثمود، برحذر باشد. در نمودار ۲، ساختار سه بخشی سوره شمس را در نسبت با کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم می‌توان مشاهده کرد.



نمودار ۲: ساختار سوره شمس و کنش‌های گفتاری غالب در لایه مستقیم و غیر مستقیم.

با عنایت به نمودار فوق و مباحث مطرح شده، می‌توان ساختار سه بخشی از سوره شمس را با توجه به کنش‌های گفتاری غالب ارائه کرد. در بخش نخست از آیات «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿۱﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿۲﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿۳﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿۴﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿۵﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿۶﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿۷﴾، کنش گفتاری تعهدی است که در لایه مستقیم، مخاطب را با سوگند به پدیده‌هایی با خود همراه می‌کند. در این بخش در لایه غیر مستقیم، از طریق تکرار سوگندهای متعدد و نظم و آهنگی که در پاره گفتارهای مسجع وجود دارد، کنش اظهاری تأکید قابل دریافت است. از سوی دیگر با توجه به فاصله‌ای که در آیه «فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» ﴿۸﴾ میان سوگندها و جواب قسم رخ می‌دهد، در لایه غیر مستقیم، کنش گفتاری ترغیبی را مشاهده می‌کنیم که در ایجاد حس تعلیق در مخاطب و منتظر نگاه داشتن او برای رسیدن به پاسخ و پرده برداشتن از امری عظیمی که به خاطر آن سوگند یاد شده است، ایفای نقش می‌کند.

بخش دوم سوره شمس و در آیات «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿۹﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿۱۰﴾، کنش اظهاری است که به نوعی ادعا و نگرش گوینده کنش گفتاری را آشکار می‌کند. نتیجه کنش گفتاری تعهدی، اظهاری و ترغیبی در بخش اول، در این جا بروز می‌یابد. از زمینه‌ای که توسط آن کنش‌های گفتاری ایجاد شده، برای تغییر نظام ارزشی، بهره گرفته می‌شود. عظمت سوگندهای یاد شده، به دلیل اهمیت موضوعی است که در این پاره گفتارها به آن اشاره می‌شود. در این دو آیه یک نظام دو قطبی ترسیم می‌شود. کنش اظهاری در این پاره گفتارها تقابل میان تزکیه شدن و به فلاح رسیدن و دسیسه کردن و به شقاوت رسیدن و اهل خسران شدن را نشان می‌دهد.

تقابل واژگانی در مفردات این سوره به نوعی تأکید بر کنشی است که ترسیم گر نظامی دو قطبی و متقابل است واژه «فجور» و واژه «تقوی» از یکسو و نیز واژه «افلاح» و «خاب» از سوی دیگر، نمودی از کاربست تقابل در این سوره است که دارای بار ارزشی و ایدئولوژیک می‌باشند؛ لذا طبق گفتمان حاکم بر سوره، پیروزی و خسران معطوف بر دو واژه «زکاه» و «دسها» می‌باشد. «زکاه» از ماده تَزَكَّى در اصل به معنی نمو و رشد دادن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۰) مراد از «دسها» در آیه «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/۷-۱۰) به قرینه اینکه در مقابل تزکیه ذکر شده، این است که انسان نفس خود را به غیر آن جهتی که طبع نفس مقتضی آن است سوق دهد و آن را به غیر آن تربیتی که مایه کمال نفس است تربیت و نمو دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۸/۲۰)؛ بنابراین در این سوره، نوعی رابطه تضادی و تکمیلی مشهود است.

بخش سوم و پایانی سوره در تکمیل نظام دو قطبی که در دو آیه قبل ایجاد شده بود، در قالب کنش اظهاری از سرنوشت قومی که طغیان کرده و دچار عذاب شده‌اند خبر می‌دهد. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾ در این بخش به عنوان شاهد مثال، از قومی یاد می‌شود که در دو قطبی به فلاح رسیدن و تزکیه شدن از یک سو و زیانکار گشتن و محروم شدن از رستگاری از سوی دیگر، با تکذیب پیامبر خود، طغیان نموده و زیانکار شدند و از زمره اهل فلاح خارج شدند. کنش گفتاری در لایه غیر مستقیم در آیات انتهایی یعنی از آیه یازدهم تا پانزدهم، کنش ترغیبی عبرت‌گیری است. گوینده کنش گفتاری قصد دارد تا با بیان عاقبت این قوم، با ایجاد خوف در مخاطب کنونی در قالب کنش عاطفی و ترغیبی، مخاطب را از دچار شدن به سرنوشتی مشابه برحذر دارد.

## نتیجه

بررسی ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتاری، حاکی از بازیابی کنش اظهاری و کنش تعهدی در لایه مستقیم کلام و کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی در لایه غیر مستقیم است. بر این اساس، ساختار سوره شمس به سه بخش تقسیم می‌گردد. در بخش نخست که شامل هشت آیه اول است، کنش گفتاری تعهدی سوگند در لایه مستقیم و کنش اظهاری تأکید و کنش ترغیبی تعلیق در لایه غیر مستقیم، قابل بازیابی است. بخش دوم که مربوط به آیات نهم و دهم است، در قالب کنش اظهاری یک اعلام خبر قطعی صورت گرفته و با ترسیم یک نظام دو قطبی در قالب کنش اظهاری تقابل، نظام ارزشی جدیدی تعریف می‌گردد. این نظام دو قطبی در بخش سوم و پایانی سوره شمس یعنی آیات یازدهم تا پانزدهم، با بیان مصداق و گزارش از سرنوشت قومی در قالب کنش اظهاری کامل می‌شود. این بخش در لایه غیر مستقیم، کنش ترغیبی عبرت‌گیری و تحذیر و کنش عاطفی تحویف را نشان می‌دهد. مجموع کنش‌های گفتاری در هر سه بخش در سوره شمس، در خدمت کنش گفتاری اصلی است، تا مخاطب را در موقعیتی قرار دهد که آمادگی شنیدن خبر نهایی و حقیقی را پیدا نماید که همان تغییر نظام ارزشی است. قرآن کریم با کاربست شیوه‌های تولید گفتمان مخاطب مانند سوگند و با بیان این کنش‌های گفتاری تلاش دارد تا فعالیت‌ها و نگرش مخاطب را با جهان‌بینی مورد نظر خود منطبق نماید. البته این انطباق با توجه به زمان نزول سوره شمس، بدون استفاده از کنش اعلامی و کنش ترغیبی امری در لایه مستقیم صورت می‌گیرد، بلکه عمده کنش‌های گفتاری اظهاری است و کنش ترغیبی نیز در لایه غیر مستقیم قابل دریافت است. با توجه به اسمیه بودن جواب قسم در آیات نهم و دهم، کنش اظهاری در این پاره گفتارها به عنوان پیام اصلی سوره شمس، منحصر در زمان نشده و گفته‌یابان در هر زمانی می‌توانند مخاطب این کنش گفتاری باشند.

۱- کاربردشناسی (Pragmatics) از حوزه‌های زبان‌شناسی است که با هدف درک منظور کاربران زبان، معنی را به هنگام کاربرد و در ارتباط با جهان خارج مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. در بسیاری از موارد کاربردشناسی مطالعه معنایی غیر قابل مشاهده است که از طریق بافت تعبیر می‌شود. کشف این معانی مربوط به پیش فرضها و انتظاراتی است که در ذهن گوینده و شنونده موجود است. (c.v: Monfort, 2018,24)

۲- منظور از فعل مضمون درگفتار (illocutionary act)، کارهایی که گوینده هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، مثل اخبار از چیزی، پرسیدن، امر کردن، نهی کردن، تحسین و ... . فعل مضمون در گفتار در حقیقت، معین معناست که متقوم به دو عنصر قصد گوینده و قراردادهای و قواعد زبانی است که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند. (Austin: 1962, PP, 94-97)

۳- بافت (context)، مفهومی کلی است که اجزای سخن را به سوی مفاهیم مقصود و غرض صاحب سخن پیش می‌برد و عامل همبستگی و ارتباط کلام با تفکر آدمی است و به عنوان بستری است که معنای دقیق واژگان و جملات را مشخص می‌کند. (کنعانی، ۱۳۸۴: ۲۹) لذا بافت، فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود این فضا می‌تواند محیط بیرون از زبان و یا داخل زبان و متنی باشد که به صورت مجموعه‌ای از جمله‌های زبان پیش و پس از هر جمله آمده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

## منابع

- قرآن کریم

۱. آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۷۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. پایا، علی (۱۳۸۳)، فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم‌اندازها، تهران، طرح نو.
۳. جواد، علی (۱۹۷۶)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بغداد، مکتبة النهضة.
۴. چپمن، شیوان (۱۳۸۴)، از فلسفه به زبان‌شناسی، ترجمه حسین صافی، تهران، گام نو.
۵. حسینی، حسن‌پور، محمد ضیاء، خسرو (۱۳۹۱)، سخن کاوی، گفتمان‌شناسی (انتقادی) تجزیه و تحلیل کلام، تهران، رهنما.
۶. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق جمال حدی ذهبی و دیگران، بیروت، دار المعرفه.
۷. راغب اصفهانی، (۱۴۱۶ق) المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.
۸. رامیار، (۱۳۶۳)، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر

۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹)، سیمای سوره‌های قرآن، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. سرل، جان راجرز (۱۳۸۵)، افعال گفتاری؛ جستاری در فلسفه زبان، ترجمه محمد علی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. شمس الدینی گورزانگی، مرضیه و گلی، مهرناز و رضوی دوست، غلامرضا، ۱۳۹۷، تحلیل متن شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل، دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی، تهران، <https://civilica.com/doc/800515>
۱۲. صفوی، کورش (۱۳۸۷)، در آمدی بر معناشناسی، تهران، سوره مهر (پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی).
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۴. فلاح، ابراهیم، شفیعی پور، سجاد، (۱۳۷۹) گفتمان‌کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳، صص ۲۹-۴۲.
۱۵. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۷)، وحی و افعال گفتاری؛ نظریه وحی گفتاری، قم، مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه.
۱۶. کلبی، هاشم بن محمد (۱۳۶۴)، الاضنام. تهران، نشر نو.
۱۷. کوک، گای، (۱۳۸۸)، زبان شناسی کاربردی، ترجمه مصطفی حسرتی، فریبا غضنفری و عامر قیطوری، کرمانشاه، انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.
۱۸. مطوری، علی (۱۴۳۷)، دراسة أسلوبیة فی سورة الشمس، مجلة آفاق الحضارة الاسلامیه، شماره ۳۶، صص ۷۳ تا ۸۸.

۱۹. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌رمان مهاجر، محمد نبوی، تهران، آگه.
۲۰. یول، جورج (۱۳۸۷)، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عمو زاده و منوچهر توانگر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۱. یار محمدی، لطف الله (۱۳۸۵)، گفتمان‌شناسی رایج انتقادی، تهران، سمت.
22. Austin, J.L (1970). How to Do Things with Words? The William James Lectures Delivered at Harvard University, Harvard University Press.
23. Botha, J.E (1991). Speech act theory and new testament exegesis, HTS, Vol 47, No 2.
24. Brinton, L. j, (2000). The Structure of English. A Linguistic Introduction, Vol 1, Amsterdam, John Benjamins publishing Co.,
25. Crystal, d (2003). A Dictionary of Linguistics & Phonetics, Oxford. Blackwell.
26. Huang, Y (2006). Speech Acts, In Brown, K.Y A. Barber & R.J. Stainton (eds.) Concise Encyclopedia of Language and Linguistics. Oxford. Elsevier Ltd
27. Martínez Flor, Alicia (2005) A theoretical review of the speech act of suggesting: towards a taxonomy for its use in FLT, Revista Alicantina de Estudios Ingleses, NO 18, P 167-187.
28. Marc Monfort a, y Adoración Juárez Sánchez, Intervención en trastornos pragmáticos: consideraciones metodológicas, Revista de Logopedia, Foniatría y Audiología
29. Volume 38, Issue 1, January–March 2018, Pages 24-30.
30. Searle, J.R (1969). Speech Acts. an Essay in the philosophy of Language, Cambridge, Cambridge University Press.
31. (۱۹۷۵), \_\_\_\_\_). A taxonomy of illocutionary acts. Language and knowledge, Minneapolis. university of Minneapolis press.
32. (۲۰۰۱), \_\_\_\_\_). Rationality in Action, Cambridge, MA, MIT press.
33. Yule, G (1996). Pragmatics, Oxford university press, New York.

# An Analysis of the Structure of Surah Ash-Shams Based on John Searle's Speech Act Theory<sup>1</sup>

Fatemeh Dastranj<sup>2</sup>  
Mohsen Zolfaghari<sup>3</sup>

## Abstract

The application of linguistic topics in the study of religious texts including the Holy Qur'an contribute to a systematic reading of them. The pragmatics of language is one of the subfields of linguistics, which is reflected in approaches such as speech act theory. Considering the centrality of purgation in Surah Ash-Shams that depicts the desired value system, the present descriptive-analytical study seeks to identify the different types of speech acts in Surah Ash-Shams and what the results of analyzing these actions and the relationships between them are. The retrieval of speech acts in some of the existing utterances indicates the three-part structure of Surah Ash-Shams. The main message of the surah defines a new value system in the form of declarative act. The commitment act in the form of oaths, which go from the obvious and the tangible to the unseen and the intangible, provides reassurance and an expression of the importance of the subject to speech-seekers. In fact, the speaker of the discourse intends to lead the audience to the action he wants and to adopt a favorable position that is depicted in the face of an unfavorable one through the oaths he mentions. The commitment made in these utterances means that if speech-seekers choose one of the two paths announced in the ninth and tenth ayahs (as the answer to the oath), surely they will be lead to that fate and destiny. In the final ayah, "وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا" the realization of the punishment in the form of the declarative act is emphasized.

**Keywords:** Surah Ash-Shams, speech act, John Searle, context of situation.

---

1. Date Received: March 31, 2020; Date Accepted: July 25, 2020 |DOI: [10.29252/PAQ.8.2.71](https://doi.org/10.29252/PAQ.8.2.71)

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Theology, Arak University;  
Email: [f-dastranj@araku.ac.ir](mailto:f-dastranj@araku.ac.ir)

3. Full Professor, Department of Persian Language & Literature, Arak University; Email: [m-zolfaghary@araku.ac.ir](mailto:m-zolfaghary@araku.ac.ir)